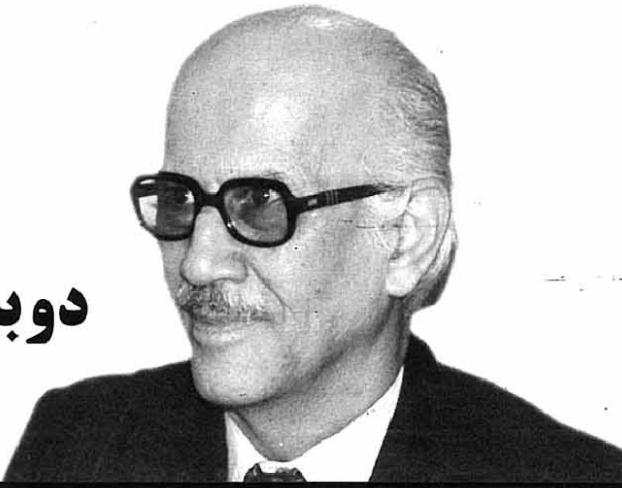




گفت و گو با زنده یاد ایرج دوستدار:

## دوبلهٔ شوخ، جمله‌های اضافی



ایرج دوستدار، پیش از آن‌که دوبلور شود، بازیگر تئاتر بود و بعد هم که به جای خودش حرف می‌زد (ضمن این‌که او در دوبله‌ی اولین فیلمی که در ایران دوبله شد، نقش داشت). دوبله‌ی فیلم‌های خارجی را که آغاز کرد، بازیگری – چه روی صحنه و چه جلوی دوربین – را کنار گذاشت. هم دوبلور بود و هم مدیر دوبلاژ. بسیاری فیلم‌های خارجی را دوبله کرده و به جای عده‌ای از بازیگران حرف زده، اما نام و صدای او با جان وین عجین شده است. صدای شوخ او به جای جان وین، و جمله‌های اضافی او هنگامی که جان وین خارج از کادر یا پشت به دوربین بود، هر چند انبوه تماشاگران را به سالن‌های سینما کشاند، اما همواره مورد انتقاد منتقدان و تماشاگران جدی قرار می‌گرفت. هرچه هست، دوبله‌ی فیلم‌های جان وین توسط او، و حواشی و پیامدهایش، یکی از سرفصل‌های تاریخ دوبله‌ی ایران است. این گفت و گو، در همین زمینه است.

### هوشنگ گل‌مکانی

(۱۹۵۶) شهرتی در میان تماشاگران ایرانی پیدا کرده بود، اما نه در حد سال‌های بعد. قرار شد این فیلم را من دوبله کنم. پس از ترجمه‌ی دیالوگ‌ها، از برادران اخوان پرسیدم به جای جان وین چه کسی صحبت می‌کند؟ آن‌ها نظرشان این بود که مرحوم محتشم (که در فیلم فاتح به جای جان وین حرف زده بود) این کار را به عهده بگیرد. با پیغام آن‌ها به سراغ محتشم – که رئیس اداره‌ی نمایشات وزارت کشور بود – رفتم تا برای دوبله دعوتش کنم، در حالی که من چند ماه قبل، به خاطر دوبله برای اخوان‌ها، تمرین را رها کرده و کارش را لنگ گذاشته بودم، اول چند متلک جانانه نثارم کرده و بعد گفت: «برو به اخوان بگو اول یک چک پنج هزار تومانی برایم بنویسند و به این جاییاور، تا پیشینیم و با هم مذاکره کنیم». آن موقع پنج هزار تومان، پول بسیار قابل توجهی بود و هرچه با محتشم کلنچار رفتم، کوتاه نیامد. پاسخ محتشم را به اخوان‌ها رساندم و آن‌ها پیشنهاد کردند خودم به جای جان وین حرف بزنم. گفتم که این کار من نیست، ضمنن آینکه صدای محتشم در فیلم فاتح مورد توجه تماشاگرها قرار گرفته و درست نیست که حالا من حرف بزنم. گفتند که فروش این فیلم اهمیتی برای شان ندارد، چون ارزان‌ترین

- آقای دوستدار، این قضیه‌ی جان وین چه بود؟ از کجا شروع شد؟ همه‌اش را تعریف کنید.
- اواخر تابستان ۱۳۳۷ در حال تمرین نمایشی به کارگردانی مرحوم نصرالله محتشم برای تئاتر تهران بودم. دوستی داشتم به نام مارتین آبلیان که صدابردار و از فعالان فنی استودیوهای دوبلاژ بود. روزی به سر تمرین آمد و مرا با خود به ساختمان سینما مولن روز، دفتر برادران اخوان، برد. مارتین دستگاه‌های صدای ساخت خودش را به آن‌ها فروخته بود و اخوان‌ها هم می‌خواستند فیلمی را برای آزمایش این دستگاه‌ها دوبله کنند. این فیلم را دوبله کردیم و تا مدتی با آن‌ها تماسی نداشتیم. اخوان‌ها تصمیم گرفتند برای راه‌اندازی استودیوی دوبلاژ مولن روزهای، به جای خرید دستگاه‌های داخلی، به آلمان سفارش خرید بدنهند. همین کار را هم کردند. طبقات بالای سینما مولن روز به عنوان استودیو در نظر گرفته شده بود و همان مارتین، کار نصب و راه‌اندازی دستگاه‌ها را به عهده گرفت. در آن جا فیلمی به من نشان دادند به نام افسانه گمشدگان (هنری هاتاوی، ۱۹۵۷) با شرکت جان وین، روسانو براتسی و سوفیا لورن. جان وین تازه به خاطر نمایش فیلم فاتح (دیک پاول،

